



ستاد گسترش تفسیر
تدوین: محمد اسماعیل نوری

تسبیح فاطمه علیها السلام

تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مشتمل بر سه جمله است و آنها عبارت اند از:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» ۳۴ بار.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» ۳۳ بار.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» ۳۳ بار.

البته در برخی از روایات، جمله «سُبْحَانَ اللَّهِ» قبل از «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ذکر شده است. اگر چه در جملات تسبیح فاطمه علیها السلام، «تکبیر» و «تحمید» نیز وجود دارد، ولی از باب تغلیب، مجموع سه جمله به عنوان «تسبیح» نامیده شده است.

دلیل نامیده شدن این اذکار به «تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام» این است که فاطمه علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درخواست کرد که کنیزی به او بدهد که در کارهای خانه کمک کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در جوابش فرمود: «یا فاطمة أَعْطَيْكَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ تُكَبِّرِينَ اللَّهَ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَتَحْمَدِينَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً ثُمَّ تَخْتِمِينَ ذَلِكَ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ فَذَلِكَ خَيْرٌ مِنْ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَمِنْ الَّذِي أَرَدْتِ،^۱ ای فاطمه!

۱. دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، با تحقیق آصف فیضی، دار المعارف، قاهره، ۱۳۸۳ هـ.ق، ج ۱، ص ۱۶۸؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۳۶.

اینرو، گفته‌اند: ذکر، یا با زبان است و یا با قلب و هر کدام از آنها یا پس از نسیان و فراموشی است که به معنای اول می‌باشد و یا ادامه حفظ و توجه قلبی است بدون اینکه فراموش کرده باشد، در این صورت به معنای دوم خواهد بود.^۲

تفاوت ذکر با علم و خاطر

ابی هلال عسکری، در فرق «ذکر» و «علم» می‌گوید: «اگرچه ذکر، نوعی علم و دانستن است، ولی به هر علمی ذکر گفته نمی‌شود. تنها آن علمی که پس از فراموشی یادآوری شود، ذکر نامیده می‌شود. و فرق دیگر اینکه علم در مقابل «جهل» قرار دارد؛ ولی ذکر در مقابل «سهو» قرار می‌گیرد.»^۳

وی در بیان فرق ذکر و خاطر نیز می‌گوید: «خاطر عبارت است از

چیزی بهتر از آن به تو عطا می‌کنم، [و این است که] بعد از هر نماز ۳۴ بار تکبیر خدا، ۳۳ بار حمد خدا و ۳۳ بار تسبیح خدا را می‌گویی و آن را با ذکر لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ختم می‌کنی. و این بهتر است از دنیا و هر چه در آن است و بهتر از آن چیزی (کنیزی) است که می‌خواستی.»^۱

در پایان حدیث، این مطلب اضافه شده است: «پس فاطمه علیها السلام بعد از هر نماز، به گفتن این ذکرها مداومت کرد و این ذکرها به آن حضرت منسوب شد.»^۱

مفهوم ذکر

از مفردات راغب، استفاده می‌شود که ذکر، دو معنای اصلی دارد: الف. ذکر، یک حالت نفسانی است که انسان به وسیله آن می‌تواند معلومات خود را نگهداری نماید. ذکر، در این معنا شبیه «حفظ» می‌باشد، با این تفاوت که به اعتبار نگهداری یک مطلب در حافظه «حفظ» گفته می‌شود و به اعتبار حاضر کردن و به خاطر آوردن آن «ذکر» نامیده می‌شود.

ب. ذکر، عبارت است از حاضر کردن چیزی در قلب یا زبان و گفتار، از

۱. ر.ک: همان.

۲. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، با تحقیق صفوان عدنان داودی، الدار الشامیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۳۲۸.

۳. معجم فروق اللغویه، ابی هلال عسکری، با تنظیم بیت اله بیات، نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۲۴۲، شماره ۹۴۶.

دستورات خدا را انجام دهد و از نافرمانی او اجتناب ورزد.

ذکر کثیر

«ذکر کثیر» به معنای بسیار به یاد خدا بودن و از خدا غافل نشدن است. و به معنای واقعی کلمه، یعنی توجه به خدا با تمام وجود و نه تنها با زبان.

کسی را می‌توان اهل ذکر کثیر دانست که در هر حال و در هر شرایط، به یاد خدا باشد و پرده‌های غفلت از خدا را کنار بزند و وسوسه‌های شیاطین را دور سازد و اگر لغزشی از او سرزند، فوراً به مقام توبه و جبران آید، تا از صراط مستقیم الهی فاصله نگیرد. مقام اهل ذکر کثیر یک مقام رفیع و

برتر است. همان‌گونه که در روایت ابو سعید خدری آمده است که از پیامبر اسلام سؤال شد: در قیامت، مقام کدام یک از بندگان خدا از همه برتر است؟ فرمود: «الَّذِي كَرِهَ اللَّهُ كَثِيرًا؛ کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

ابو سعید می‌گوید که عرض کردم: آیا آنها از رزمندگان در راه خدا نیز

خطور و مرور معنا در قلب که گاهی این خطور ابتدایی بوده و بدون فراموشی قبلی است و گاهی پس از فراموشی قبلی می‌باشد؛ ولی ذکر عبارت است از حضور معنا در نفس پس از فراموشی و غیبت آن، که این مفهوم ذکر در مقابل «نسیان» قرار می‌گیرد.^۱

از ملاحظه سخنان اهل لغت به این نتیجه می‌رسیم که ذکر به معنای یادکردن از یک حقیقت و فراموش نکردن آن است. البته در موضوع بحث ما، منظور از ذکر، یادکردن خدا و فراموش نکردن و غافل نشدن از او است.

مراتب ذکر خدا

ذکر خدا، مراتب متعددی دارد. از جمله آنها مرتبه ذکر زبانی و مرتبه ذکر قلبی می‌باشد که ارزش ذکر قلبی به مراتب بالاتر از ذکر زبانی است. البته ذکر زبانی نیز ارزشمند است و از مقدمات ذکر قلبی محسوب می‌شود. و هدف اصلی آن است که بنده در قلب خود به خدا توجه داشته باشد و از او غافل نباشد و در سایه این توجه قلبی،

۱. همان، ص ۲۰۹، شماره ۸۲۰ و ۸۲۱

اسماء حسنی و تنزیه پروردگار از آنچه شایسته او نیست، یا مانند آن تفسیر شده است.^۳

در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «إِذَا أَنْقَطَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مِنَ اللَّيْلِ وَتَوَضَّأَ وَصَلَّيْنَا كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ»^۴ هرگاه مرد همسرش را شبانگاه بیدار کند و هر دو وضو بگیرند و نماز (شب) بخوانند، از مردان و زنانی خواهند بود که بسیار یاد خدا می کنند.»

در تفسیر آیاتی از قرآن که به ذکر کثیر دستور داده یا آن را از صفات مؤمنان شمرده اند، روایاتی وارد شده است که آن آیات را با تسبیح فاطمه علیها السلام تطبیق داده و از مصداق ذکر کثیر شمرده اند. البته درست است که ذکر کثیر به معنای توجه قلبی به خدا و بلکه

والامقام ترند؟ فرمود: «لَوْ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ فِي الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَنْكَبِرَ وَيَخْتَضِبَ دَمًا لَكَانَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ أَفْضَلَ دَرَجَةً مِنْهُ»^۱ اگر [رزمنده] با شمشیرش آن قدر بر پیکر کفار و مشرکین بزند که شمشیرش بشکند و با خون رنگین شود، باز هم مقام ذاکران خدا از مقام او برتر است.»

در این حدیث، مقام اهل ذکر کثیر از مقام رزمندگان اسلام نیز بالاتر و برتر معرفی شده است. دلیل آن نیز این است که جهاد خالصانه، بدون یاد خدا و توجه به او ممکن نیست.

در کلمات مفسران قرآن و روایات اسلامی، تفسیرهای گوناگونی برای ذکر کثیر بیان شده که ظاهراً همه آنها از قبیل بیان مصداق است و مفهوم وسیع ذکر کثیر (بسیار به یاد خدا بودن) شامل همه آنها می شود.

بعضی از مفسران گفته اند: «ذکر کثیر آن است که در حال قیام و قعود و به هنگامی که به بستر می رود، یاد خدا کند.»^۲

و در کلمات بعضی از مفسران قرآن، ذکر کثیر به ذکر صفات علیا و

۱. تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۴ ش، ج ۱۷، ص ۲۷۸؛ به نقل از المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵۳.

۲. همان، ص ۳۳۵.

۳. ر.ک: همان، ص ۲۷۸.

۴. همان، ص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ به نقل از مجمع البیان،

ج ۸، ص ۳۵۸.

وجود یک حالت عاطفی میان خدا و بندگان نیست، آن‌گونه که در میان انسانها معمول است که به همدیگر می‌گویند: «به یاد ما باشید تا به یاد شما باشیم»؛ بلکه اشاره به یک اصل تربیتی و تکوینی است. «به یاد من باشید» یعنی به یاد ذات پاکی که سرچشمه تمام خوبیها و نیکیها است، باشید و بدین وسیله روح و جان خود را پاک و آماده پذیرش رحمت پروردگار سازید. توجه به این ذات پاک، بنده را در فعالیتهايش مخلص‌تر، متحدتر و نیرومندتر می‌سازد.^۲

منظور از «ذکر خدا» تنها یادآوری به زبان نیست، بلکه منظور این است که بنده با تمام دل و جان به ذات پاک خدا توجه داشته باشد؛ توجهی که انسان را از گناه باز می‌دارد و به اطاعت از دستورات او دعوت می‌کند.

در ذیل این آیه، محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ علیها السلام مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «فَاذْكُرُونِي»

توجه با تمام وجود به او است و تسبیح فاطمه علیها السلام در ظاهر تنها چند ذکر لفظی و زبانی است که در مجموع صد بار تکرار می‌شود، ولی اگر همین ذکرهای زبانی، با توجه کامل ادا شود، می‌تواند مقدمه توجه قلبی قرار گیرد. همان‌گونه که در نماز و امثال آن نیز مطلب از این قرار است.

در ادامه بحث ضمن ارائه برخی از آیات که درباره ذکر نازل شده‌اند، به روایاتی از معصومان علیهم السلام اشاره می‌کنیم که مصداق ذکر کثیر را تسبیح حضرت زهرا علیها السلام معرفی کرده‌اند.

تسبیح فاطمه علیها السلام از مصداق ذکر

کثیر

۱. خدای مهربان، پس از بیان بزرگ‌ترین نعمت الهی، یعنی رسالت پیامبر عظیم‌الشان اسلام که مردم را با تعلیم و تزکیه به راه صحیح هدایت می‌کند، می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ أَشْكُرْوَالِي وَلَا تَكْفُرُونِ»؛^۱ «پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم. و شکر مرا گوئید و (در برابر نعمتهایم) کفران نکنید.»

بدیهی است که منظور از این آیه،

۱. بقره/۱۵۲.

۲. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۵.

در تفسیر آیاتی از قرآن که
به ذکر کثیر دستور داده یا
آن را از صفات مؤمنان
شمرده‌اند، روایاتی وارد
شده است که آن آیات را با
تسبیح فاطمه علیها السلام تطبیق
داده و از مصادیق ذکر کثیر
شمرده‌اند

در تفسیر این آیه آمده است که
شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مراد
از ذکر کثیر در این آیه چیست؟
حضرت فرمود: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ
فَاطِمَةَ علیها السلام فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ الذَّكْرَ الْكَثِيرَ»^۳ هر
کس با تسبیح فاطمه علیها السلام تسبیح گوید، در
حقیقت خدا را با ذکر کثیر یاد کرده است.»

۱. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی (محمّد بن
حسن)، با تصحیح عبد الرحیم ربانی شیرازی،
احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم،
۱۳۹۱ ه. ق، ج ۶، ص ۴۴۱.
۲. شعراء/۲۲۷.
۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ابواب تعقیب، باب ۸
ص ۱۰۲۳، ح ۵.

أذْكَرُكُمْ»؛^۱ تسبیح فاطمه علیها السلام از [اقسام]
ذکر بسیار است که خدا [به آن دستور
داده و] فرموده است که به یاد من باشید
تا به یاد شما باشم.»

از این حدیث چنین استنباط
می‌شود که تسبیح حضرت فاطمه
زهرا علیها السلام، مصداقی از ذکر کثیر خدا
است. شاید منظور این باشد که گفتن
تسبیح فاطمه علیها السلام اگر همراه با توجه
قلبی باشد، مصداق ذکر کثیر است.

۲. قرآن کریم پس از مذمت
شاعران بی هدف، می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
وَأَنْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا»؛^۲ «مگر
کسانی که ایمان آورده و کارهای
شایسته انجام دهند و خدا را بسیار یاد
کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع
شوند، به دفاع از خویشان [و مؤمنان]
برخیزند [و از شعر در این راه کمک
گیرند].»

در این آیه شریفه، چهار صفت
شاعران با هدف بیان شده است:
۱. ایمان؛ ۲. عمل صالح؛ ۳. بسیار به یاد
خدا بودن و ۴. با نیرو گرفتن از قدرت
شعر، در برابر ستمها به پا خواستن.

۳. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِحِينَ وَالصَّالِحَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۱ «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، و مردان با خشوع و زنان با خشوع، و مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.»

جمعی از مفسران گفته‌اند:

هنگامی که «اسماء بنت عمیس» همراه

شوهرش «جعفر بن ابی طالب» از «حبشه» بازگشت و به دیدن همسران پیامبر آمد، یکی از سؤالاتی که مطرح کرد، این بود که آیا چیزی از آیات قرآن درباره زنان نازل شده است؟ آنها در پاسخ گفتند: نه!

«اسماء» به خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است!» پیامبر فرمود: «چرا؟»

عرض کرد: «به خاطر اینکه در اسلام و قرآن فضیلتی درباره آنها همانند مردان نیامده است.»

اینجا بود که آیه فوق نازل شد. (و به زنها اطمینان داد که زن و مرد در پیشگاه خدا از نظر قرب و منزلت یکسان‌اند. مهم آن است که از نظر اعتقاد و عمل و اخلاق اسلامی واجد فضیلت باشند).^۲

در رابطه اینکه منظور از ذکر کثیر در این آیه چیست، در روایات اسلامی و کلمات مفسرین، تفسیرهای گوناگونی بیان شده است؛ ولی

۱. احزاب/۳۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

همان‌گونه که در گذشته نیز گفته شد، ظاهراً همه آن تفسیرها از قبیل بیان مصداق است و مفهوم وسیع این کلمه، شامل همه آنها می‌شود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است: «مَنْ بَاتَ عَلَيَّ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ علیها السلام كَانَ مِنْ الدَّائِرِينَ اللّٰهَ كَثِيْرًا وَالدَّائِرَاتِ؛ کسی که با تسبیح فاطمه علیها السلام بخوابد، از [مصداق این آیه شریفه که می‌فرماید:] «مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند» می‌باشد.»

ملاحظه می‌شود که در این حدیث، گوینده تسبیح فاطمه علیها السلام - اعم از مرد و زن - از مصداق بسیار ذکر کنندگان شمرده شده است. ۴. قرآن کریم می‌فرماید: «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اذْكُرُوْا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيْرًا وَسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا»؛ ^۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید، و صبح و شام او را تسبیح گویند.»

این آیه، همه مؤمنان را موظف می‌کند که در همه حال به یاد خدا باشند؛ یعنی ای مؤمنان! به هنگام عبادت، او را یاد کنید و حضور قلب و

اخلاص داشته باشید. به هنگام حضور در صحنه‌های گناه، او را یاد کنید و چشم‌پوشید. اگر لغزشی روی داد، توبه کنید و به راه حق بازگردید.

به هنگام نعمت، او را یاد کنید و شکرگزار باشید. به هنگام بلا و مصیبت، او را یاد کنید و صبور و شکیبا باشید. خلاصه، یاد او را در هیچ صحنه‌ای از صحنه‌های زندگی فراموش نکنید.

همان‌گونه که از سیاق آیات استفاده می‌شود؛ منظور از «تسبیح خدا در هر صبح و شام» همان دوام تسبیح است. و ذکر خصوص این دو وقت، به عنوان آغاز و پایان روز می‌باشد. و اینکه بعضی آن را به نماز صبح و عصر و یا مانند آن تفسیر کرده‌اند، باز از قبیل ذکر مصداق است.^۳

اسماعیل بن عمار می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که حدّ و اندازه ذکر کثیر (ذکر بسیار) که خداوند در

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ابواب تعقیب، باب ۱۱، ص ۱۰۲۳، ح ۴.
 ۲. احزاب/۴۱ و ۴۲.
 ۳. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

قرآن فرموده است، چقدر است؟

فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَّمَ فَاطِمَةَ ؑ أَنْ تُكَبِّرَ أَرْبَعاً وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَتُسَبِّحَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً وَتُحَمِّدَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِاللَّيْلِ مَرَّةً وَبِالنَّهَارِ مَرَّةً فَقَدْ ذَكَرْتَ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»^۱

رسول خدا ﷺ به فاطمه ؑ یاد داد که ۳۴ بار تکبیر، ۳۳ بار تسبیح و ۳۳ بار تحمید بگوید. پس اگر تو یک بار شب و یک بار روز این کار را انجام دهی، در حقیقت خدا را با ذکر بسیار یاد کرده‌ای.»

البته باید توجه داشت که منظور از ذکر بسیار این نیست که شخصی آن را به زبان بگوید، ولی در صحنه زندگی یادی از خدا نکند و مرتکب گناه شود؛ بلکه همان‌گونه که در گذشته اشاره شد، منظور از ذکر کثیر آن است که بنده در همه حال به یاد خدا باشد و هرگز او را فراموش نکند. تسبیح فاطمه ؑ نیز در مرحله لفظ و ذکر زبانی از مصادیق ذکر کثیر است که خود مقدمه ذکر قلبی و به یاد خدا بودن است و آن نیز مقدمه انجام وظایف بندگی و ترک معصیت می‌باشد.

فضیلت تسبیح فاطمه زهرا ؑ

در خاتمه برای تکمیل مطلب، نظر خوانندگان عزیز را به چند حدیث درباره اهمیت تسبیح فاطمه زهرا ؑ جلب می‌کنیم:

۱. از امیر مؤمنان علی ؑ روایت شده است که فرمودند: «قَوْلَ اللَّهِ مَا تَرَكَتَهُنَّ مُنْذُ عَلَّمْنِيَهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ؛ به خدا سوگند! از آن روزی که رسول خدا آن ذکرها را به من یاد داده است، هیچ‌گاه آنها را ترک نکرده‌ام.»

شخصی پرسید: حتی در شبهای جنگ صفین هم ترک کرده‌ای؟! فرمود: «نَعَمْ وَلَا لَيْلَةَ صَفِينٍ؛ آری! حتی در شبهای جنگ صفین هم ترک نکرده‌ام.»^۲

۲. از امام باقر ؑ روایت شده است: «مَا عُيِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنْ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ ؑ وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، چاپ مؤسسه آل‌البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۵، ص ۳۷.

۲. فاطمه تجلیگاه انوار آفرینش، سید مجتبی برهانی، انتشارات بیت‌الاحزان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۳۷۳ و ۳۷۴؛ به نقل از احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۷۸.

حضرت روایت شده است: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ علیها السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رَكَعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ»^۴ تسبیح فاطمه زهرا هر روز بعد از هر نماز، از هزار رکعت نماز در هر روز، نزد خدا محبوب تر است.»

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ علیها السلام فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ أَنْ يَنْتَهِيَ رِجْلَيْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»^۵ هر کس بعد از نماز واجب، پیش از آنکه پاهای خود را جفت کند (قبل از به هم خوردن حالت جلوس تشهد و سلام)، تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگوید، خداوند او را می آمرزد.»

از این احادیث معلوم می شود که گفتن تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ارزش فوق العاده ای دارد و بهترین زمان گفتن آن، بعد از نماز واجب، بدون فاصله و پیش از به هم خوردن حالت نماز می باشد.

مِئَةٌ لَنَحْلَهُ رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةَ علیها السلام؛^۱ از جهت حمد و ذکر، خدا با چیزی بهتر از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام عبادت نشده است. اگر عملی بهتر از آن بود، پیامبر خدا آن را به زهرا علیها السلام عطا می کرد.»

۳. در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ علیها السلام ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفْرَ لَهُ وَهِيَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ فِي الْمِيزَانِ وَتَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَتُرْضِي الرَّخْمَانَ»^۲ هر کس تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید و بعد از آن استغفار نماید، بخشیده می شود. و آن در زبان صد ذکر است؛ ولی در میزان اعمال هزار به حساب می آید. شیطان را دور می کند و خدا را راضی می نماید.»

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الْمَاءَةِ مَرَّةً وَأَتْبَعَهَا بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَرَّةً غُفْرَ لَهُ»^۳ هر کس پس از نماز واجب، با تسبیح فاطمه علیها السلام صد بار به تسبیح خدا بپردازد، و به دنبال آن یک بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، آمرزیده می شود.»

۵. در حدیث دیگری از آن

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ابواب تعقیب، باب ۹،

ص ۱۰۲۴، ح ۱.

۲. همان، باب ۸، ص ۱۰۲۳، ح ۳.

۳. همان، باب ۷، ص ۱۰۲۱، ح ۳.

۴. همان، باب ۹، ص ۱۰۲۴، ح ۲.

۵. همان، باب ۷، ص ۱۰۲۲، ح ۴.